ای مسلمانان! این است حزب‌التحریر در میان شما؛ حامل طرح نهضت‌تان یعنی خلافت بر منهج نبوت؛ همان که دلسوز مسائل شماست و آگاه بر آن‌ها. رهبری‌تان را به او بسپارید تا شما را به آنچه الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده، حاکم گرداند و در قالبِ یک واحد سیاسی، شما را یک‌پارچه سازد و از چنگال این حکام سبک‌سر و اربابان‌شان و از سلطه رژیم جعلی یهود، رهایی‌تان بخشد و ثروت‌ها، عزت، کرامت و هیبت‌تان را در میان ملت‌ها به شما بازگرداند.

نسخه فارسی

الرایة

روزنامه سیاسی هفتگی

در این شماره می خوانید :

هند و آسیای میانه؛ اهداف نزدیکی ژئوپلیتیکی... ۲

ورود نیروهای حفتر به مثلث مرزی؛ تلاشی برای تقویت نفوذ آمریکا در سودان...۲

ماهیت روابط بریتانیا و روسیه..۳

بودجه جدید مصر؛ میان ارقام فریبنده و حقیقتِ پنهان...۴

سفر رئیس‌جمهور فرانسه به جنوب شرق آسیا و سیاست دیپلماسی نرم...۴

چهارشنبه ۲۹ ذی الحجه ۱۴۴۶ ه.ق ،۲۵ جون ۲۰۲۵ م ، ۴ تیر ۱۴۰۴ه.ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

شماره : ۵۵۳ تعداد صفحه : ۴

مقاله برگزیده

غزه‌ای که پنهان نمی‌ماند، حتی در میان آتش جنگ‌ها

استاد یوسف ابو زر

درحالی‌که غزه همچنان زیر آتش است؛ بمباران می‌شود، در محاصره است و گرسنگی می‌کشد و دام‌های خبیثی به نام «کمک‌های بشردوستانه» برای فریب گرسنگان محاصرشده و قتل آنان گسترده می‌شود، رژیم یهود به تجاوز نظامی علیه ایران دست زد و حملات هوایی و غیرهوایی را آغاز کرد. اکنون، به‌ویژه پس از آغاز پاسخ موشکی ایران و هدف قرار دادن شهرهای رژیم، جنگ علیه ایران به کانون توجه جهانی و نقطه تمرکز رسانه‌ها بدل شده است؛ تا آنجا که فاجعه غزه را از انظار عمومی و صحنه تحلیل‌های رسانه‌ای و سیاسی پنهان کرده است؛ با آنکه کشتار و جنایت و نسل‌کشی در آن همچنان و بلکه شدیدتر از گذشته ادامه دارد و شمار بالای شهدا و قربانیان هر روز ثبت می‌شود.

واقعیت این است که هر ناظری که در جنگ رژیم یهود علیه غزه و حوادث منطقه تا این لحظه تأمل کند، درمی‌یابد که آنچه این رژیم با پشتیبانی کامل آمریکا انجام می‌دهد، تلاشی است برای فروپاشاندن و حذف آنچه به‌عنوان «محور مقاومت» شناخته می‌شود و این اقدام با منطق معادله صفر انجام می‌گیرد، جایی که نتانیاهو با گستاخی، در تعقیب آن چیزی است که «پیروزی مطلق» می‌نامد؛ گستاخی‌ای که ترامپ نیز در آن با او شریک است. هدف نهایی آنان، ترسیم خاورمیانه‌ای جدید است، آن‌چنان‌که در خیال می‌پرورانند، با ویژگی خضوع و تسلیم در برابر یهود، به‌گونه‌ای که این رژیم، محور اصلی و دست برتر در منطقه باشد.

اما با وجود تمام ضرباتی که رژیم یهود در تجاوز گسترده‌اش به منطقه وارد کرده، این غزه بود که به‌عنوان سدی سخت، میان نتانیاهو و تحقق رؤیای «پیروزی مطلق» یا حتی نزدیک شدن به آن ایستادگی کرد. مسائلی مانند بحران اسرای جنگی، طولانی شدن جنگ بدون از میان بردن مجاهدین و فشارهای فزاینده افکار عمومی جهانی که رژیم یهود را منزوی ساخته، رسوا کرده و چهره‌اش را نزد ملت‌ها خوار و خفیف کرده است، به‌ویژه پس از آن‌که این رژیم از گرسنگی برای قتل مردم در مراکز کمک‌رسانی بهره گرفت، همگی به چالش‌های روزانه برای کابینه او بدل شده‌اند؛ تا جایی که کار به رأی‌گیری برای انحلال دولت و رفتن به‌سوی انتخابات کشید. در همین میان، نتانیاهو با پرش به‌سوی حمله دیرهنگام به ایران، کوشید از مهلکه غزه بگریزد و افکار را به جنگ با ایران معطوف کند.

با وجود تمرکز رسانه‌ها و افکار عمومی بر جنگ با ایران که تا حد زیادی نگاه‌ها را از جنگ در غزه منحرف کرده، اما ماهیت این جنگ جدید، خود الزاماتی دارد که آثار و پیامدهای آن به غزه نیز گره‌خورده است. شیوه پاسخ ایران که شامل ضرباتی بود که رژیم یهود و جامعه آن به آن عادت نداشتند، آسیب‌های قابل‌توجهی به‌بار آورد. اگر این آسیب‌ها را به خسارات جنگ غزه نیز بیفزاییم؛ خساراتی که همچنان ادامه دارد و ارتش رژیم را فرسوده، اقتصادش را تحلیل‌برده و جامعه ضعیف و هراسان و دلبسته به حیات آن را خسته کرده است، آنگاه روشن می‌شود که تداوم جنگ در غزه جبهه‌ای سنگین برای رژیم به شمار می‌آید؛ به‌ویژه که هر روزه نظامیانش تلفاتی را متحمل می‌شوند.

در چنین شرایطی، اگر درگیری با ایران طولانی شود، فشار مضاعفی بر رژیم وارد خواهد شد، درحالی‌که نتانیاهو با سماجت می‌کوشد تا بر جبهات باقی بماند و «پیروزی» موهوم خود را به‌دست آورد. واقعیت این است که تنها پشتیبانی آمریکا، رژیم را سر پا نگه داشته و نتانیاهو نیز کوشیده با کشاندن ترامپ به این جنگ، آن را کوتاه‌تر کند که همین نیز محقق شد.

در این میان، اگر ایران ضربات خود را در آغاز جنگ غزه و به‌صورت پیش‌دستانه وارد می‌ساخت و نه واکنشی به تجاوز سنگین یهود پس از درهم‌کوبیدن استخوان‌های ایران در داخل خاکش و قطع بازوهایش در خارج، آنگاه این ضربات می‌توانستند تأثیر واقعی و راهبردی داشته باشند. اکنون که فرماندهان رژیم یهود با تکبر و گستاخی ادعای تغییر چهره خاورمیانه را دارند، فرصت مناسبی بود تا هنگامی‌که با تمام توان درگیر جنگ در غزه و کرانه باختری شده بودند و ضعف و شکنندگی‌اش هویدا شده بود، ضربه قاطعی به آن وارد شود. شاید توان رژیم برای تداوم جنگ در غزه با وجود تحلیل‌رفتن آن، از این واقعیت ناشی می‌شد که جنگ با ایران صرفاً در آسمان جریان داشت و نه روی زمین. اگر حکام کشورهای اسلامی مردان واقعی بودند نه مزدورانی خوارتر از گوسفندان، می‌توانستند از این فرصت برای نابودی این رژیم شوم و رهایی از شرّ آن استفاده کنند.

ادامه صفحه ۳

بی‌گمان، این از گناهان بزرگ است که هواپیماهای یهود از فراز آسمان حکومت‌ها عبور کنند، سپس ایران را بمباران نمایند و با آرامش بازگردند، بی‌آنکه این حکومت‌ها حتی یک گلوله به‌سویشان شلیک کنند!

عالم گرانقدر شیخ اعطا بن خلیل ابو الرشته

ترامپ در پستی در پلتفرم «تروث سوشیال» نوشت: «ایران و اسرائیل باید به توافقی برسند و خواهند رسید، دقیقاً همان‌گونه که من باعث شدم هند و پاکستان به توافق برسند...». او افزود: «و به همین شکل، به‌زودی صلحی میان اسرائیل و ایران برقرار خواهد شد. هم‌اکنون تماس‌ها و نشست‌های متعددی در حال انجام است». (اسکای نیوز، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵ م). سخنگوی ارتش رژیم یهود نیز در پلتفرم «ایکس» روز یکشنبه اعلام کرد: «اسرائیل به ایرانیان ساکن در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای هشدار تخلیه منازل داده است...». در همین حال، یک سخنگوی نظامی اسرائیلی گفت که ارتش این رژیم، یک مرکز هسته‌ای در شهر اصفهان، در مرکز ایران را هدف حمله قرار داده است. با امداد یکشنبه، ایران چندین موج جدید از موشک‌ها را به‌سوی اهدافی در داخل اسرائیل شلیک کرد که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر و تخریب گسترده خانه‌ها و ساختمان‌ها شد. در مقابل، تهران نیز هدف حملات هوایی اسرائیل قرار گرفت. (الجزیره، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵).

رژیم یهود روز شنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرد که در جریان حملات هوایی به ایران، ۹ تن از دانشمندان و کارشناسان برنامه هسته‌ای ایران کشته‌شده‌اند تا شمار تلفات اعلام‌شده پیشین افزایش یابد. طبق اعلام ارتش، این افراد عبارت‌اند از: علی یکایی کریمی، منصور عسگری، سعید برجی که به‌ترتیب در زمینه‌های مکانیک، فیزیک و مهندسی مواد تخصص داشتند و در جریان حملات روز جمعه کشته شدند. این خبر از سوی خبرگزاری نیمه‌رسمی تسنیم نیز تأییدشده است. رژیم یهود بامداد جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ «حمله‌ای بی‌سابقه» به ایران ترتیب داد که قلب برنامه هسته‌ای ایران و فرماندهان ارشد نظامی را هدف گرفت.

در پاسخ، ایران نیز شامگاه جمعه صدها موشک را به‌عنوان آغاز واکنش خود به‌سوی اسرائیل شلیک کرد. (سی‌ان‌ان، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵ م).

بلافاصله پس از حمله رژیم یهود، رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرد: «حمله اسرائیل به ایران، اقدامی عالی بود» و از ایران خواست تا توافقی درباره برنامه هسته‌ای‌اش امضا کند. در پاسخ به پرسشی از شبکه «ای‌بی‌سی» مبنی بر اینکه آیا آمریکا در این حمله به ایران نقشی داشته، گفت: «نمی‌خواهم به این پرسش پاسخ دهم». او در پلتفرم «تروث سوشیال» نوشت: «ایران باید پیش از آن‌که دیگر چیزی باقی نمانده باشد، توافقی امضا کند تا آنچه روزگاری به نام امپراتوری ایران شناخته می‌شد، حفظ شود». ترامپ افزود که به تهران هشدار داده است: «ایالات‌متحده بهترین و مرگبارترین سلاح‌های جهان با فاصله‌ای چشمگیر را تولید می‌کند و اسرائیل بسیاری از آن‌ها را در اختیار دارد و به‌زودی تجهیزات بیشتری نیز به دستش خواهد رسید و آن‌ها می‌دانند چگونه از این سلاح‌ها استفاده کنند». او در اظهاراتی مشابه نیز گفت: «امروز روز شمست‌ویکم است. من به آن‌ها گفتم چه باید بکنند، ولی نتوانستند. اکنون فرصت دومی برایشان فراهم‌شده است». (الجزیره، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ م).

با تأمل در این رویدادها، روشن می‌شود که:

۱ـ کاملاً آشکار است که یهودیان بدون تحریک و پشتیبانی آمریکا، به‌ویژه ترامپ، دست به حمله به ایران نزدند؛ چراکه اظهارات صریح ترامپ به‌روشنی گویای این واقعیت است و هیچ پرده‌پوشی در آن نیست و این امری قطعی و قابل پیش‌بینی است، زیرا یهودیان به‌تنهایی توان نظامی ندارند و اهل جنگ نیستند و خداوند راست فرموده است: «لَنْ يَضُرُّوكُم إِلَّا أَذًى وَإِن يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ * ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ» «آن‌ها هرگز جز آزار، زیانی به شما نمی‌رسانند و اگر با شما بجنگند، پشت به شما می‌کنند و پیروز نمی‌شوند. بر آنان خواری نوشته‌شده است، هر جا که یافت شوند، مگر آن‌که به پیمانی از خدا یا به پیمانی از مردم پناه برند! آن‌ها به خشم خدا گرفتارشده‌اند و بیچارگی بر آنان چیره گشته است».

ادامه صفحه ۳

مقامات امنیتی در شهر القضارف جوانان حزب‌التحریر را در حمایت از موجودیت رژیم یهود دستگیر کردند!

در پی برگزاری یک سخنرانی مردمی از سوی جوانان حزب‌التحریر در بازار شهر القضارف، در کنار بیمارستان دندان‌پزشکی، در روز پنج‌شنبه ۲۳ ذوالحجه ۱۴۴۶ هـ، برابر با ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ م که در آن استاد عوض مهاجر، عضو حزب‌التحریر، درباره وضعیت جنگ با رژیم یهود و شادی مسلمانان از ضربات واردشده به آن و اشتیاق مردم برای پیروزی بر این رژیم غاصب سرزمین مقدس، مسجدالاقصی و جایگاه معراج رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سخن گفت و بر ضرورت برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت که فلسطین و دیگر سرزمین‌های اشغالی مسلمانان را آزاد خواهد کرد، تأکید نمود.

بلافاصله پس از پایان سخنرانی و پیش از پراکندگی جمعیت، سه خودروی وابسته به نهادهای امنیتی از راه رسیدند و سه نفر از جوانان حزب‌التحریر، به‌نام‌های: الماحی عابدین، میسره یحیی و محمد یحیی و همچنین یک نفر از حاضران را بازداشت کردند و آنان را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و چشم‌هایشان را بستند. سپس ایشان را به مکانی نامعلوم منتقل کرده و دستگاه صوتی مورداستفاده در سخنرانی را نیز با خود بردند. این اقدام باعث حیرت و ناباوری حاضران شد.

در پی این اتفاق، سخنگوی رسمی حزب‌التحریر در ایالت سودان، استاد ابراهیم عثمان (ابوخلیل)، در بیانیه‌ای مطبوعاتی پس از آن‌که حکومت را مسئول سلامت برادران بازداشت‌شده دانست، خطاب به آنان و مزدوران‌شان هشدار داد و ایشان را از عواقب چنین رفتارهایی که هیچ نسبتی با اسلام و مسلمانان ندارد، برحذر داشت و آن را در راستای هم‌سویی با رژیم یهود و هم‌پیمانانش از کفار استعمارگر و حاکمان خائن دانست.

او گفت: این رفتار عجیب و مشکوک، از سوی کسانی که باید یار و یاور برادران خود در فلسطین می‌بودند، اثبات می‌کند که این نظام‌ها، از جمله نظام حاکم در سودان، دشمن امت‌اند و مأموریت‌شان پاسداری از موجودیت رژیم جعلی یهود و اجرای توطئه‌های استعمارگران کافر در سرزمین‌های ماست. جنگ بیهوده جاری در سودان نیز چیزی نیست جز یکی از نتایج حرکت در مسیر اجرای طرح‌های آمریکاست؛ همان آمریکا که حامی رژیم یهود و دشمن اسلام و مسلمانان است.

حکّام مسلمانان و تجاوز یهود به ایران

بیانیه‌ای که دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر صادر کرد اعلام نمود: کسی که واکنش‌های نظام‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی را نسبت به تجاوزات رژیم یهود به ایران دنبال کند، قلبش سرشار از اندوه و تأسف می‌شود از آنچه بر سر مسلمانان آمده است؛ برخی از آنان شکوه و محکوم می‌کنند، برخی نگران گسترش هرج‌ومرج در منطقه بر اثر این تجاوزات‌اند، برخی آن را تشدید خطیری تلقی می‌کنند، برخی نیز نگرانی خود را از تأثیر این تشدید بر مسئله فلسطین ابراز داشته‌اند، برخی دیگر هم آمادگی خود را برای میانجیگری بین ایران و رژیم یهود اعلام کرده‌اند و بهترین حالت در میان آنان کسی است که آمادگی خود را برای ایستادن کنار ایران و حمایت از آن در محافل بین‌المللی اعلام کرده است؛ درحالی‌که برخی از آنان، آسمان خود را برای عبور هواپیماهای رژیم یهود باز کردند تا بر ایران بمباران کنند و بکشند و ویران کنند و سپس بدون شلیک حتی یک گلوله بازگردند و برخی از آنان به مقابله با موشک‌ها و پهپادهای ایرانی که به‌سوی ضربه‌زدن به رژیم یهود می‌رفتند، پرداختند، پس رژیم یهود را از مقابله با آن‌ها بی‌نیاز کردند.

بیانیه می‌پرسد: آیا وضعیت مسلمانان تا این حد رسیده است؟! به جای آن‌که شاهد رقابت میان کشورهای اسلامی در اعزام هواپیماها و موشک‌ها و تانک‌ها و توپ‌ها و رزمندگان برای جلوگیری از تجاوز رژیم یهود جعلی به یکی از سرزمین‌های مسلمانان باشیم؛ فقط شکوه و محکومیت و آن‌هم به‌صورت خجالت‌آمیز، می‌بینیم و وقاحت در پیشنهاد میانجیگری را شاهدیم، گویا کسی که پیشنهاد میانجیگری می‌دهد، طرفی بی‌طرف است که هیچ ارتباطی با اسلام و مسلمانان ندارد، گویی اصلاً حاکم یکی از بزرگترین سرزمین‌های اسلامی نیست که پنج قرن پایتخت خلافت بوده است! و مصیبت در نظام‌های حاکم در کشورهای میان فلسطین و ایران است که هواپیماهای رژیم یهود از آسمان‌شان عبور کرد و نظام‌هایی که با موشک‌ها و پهپادهای ایرانی مقابله کردند و مصیبت بزرگ‌تر در نظام‌هایی است که شهروندان رژیم یهود را پس از توقف پروازهایش بر اثر موشک‌های ایرانی، در فرودگاه‌های خود پذیرفتند.

بیانیه اعلام کرد: ما می‌دانیم که مسلمانان چقدر مشتاق جهاد و جنگ با یهود هستند و شادی مردمی را دیدیم که موشک‌ها و پهپادهای ایرانی را می‌دیدند که از بالای سرشان عبور می‌کرد تا رژیم یهود را هدف قرار دهد و جشن‌های آنان را در بسیاری از کشورهای مسلمان دیدیم وقتی دیدند که آن موشک‌ها و پهپادها کشتار و آسیب و ویرانی در رژیم یهود ایجاد می‌کند؛ پس چشاند به یهود همان را که آنان به مسلمانان در غزه و کرانه باختری و لبنان و سوریه و یمن چشانده‌اند و روزی برایشان آمد که در آن رژیم یهود شمار کشته‌ها و زخمی‌ها و مفقودین را در نتیجه آن موشک‌ها و پهپادها می‌شمارد، چنان‌که ما در غزه در نتیجه جنایات و نسل‌کشی او می‌شماریم.

ای مسلمانان: شما سخن الله سبحانه‌وتعالی را می‌خوانید که فرمود: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ» «با آن کافران بجنگید تا الله سبحانه‌وتعالی آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را بر ایشان پیروز گرداند و سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد و کینه را از دلهایشان بردارد» و شما چشم به روزی دارید که الله سبحانه‌وتعالی شما را بر یهود پیروز کند و سینه‌هایتان را شفا دهد و غیظ دلهاتان را برطرف سازد؛ همانا همان‌گونه که در سخن الله سبحانه‌وتعالی می‌خوانید، این با جنگیدن با آنان است چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی امر کرده و این امری قطعی است و بخشی از عقیده پیروزی نزد شماست و امر و جواب آن در آیه کریمه مانند شرط و جواب آن است، پس معنای آیه چنین است: با آنان بجنگید، اگر با آنان بجنگید الله سبحانه‌وتعالی آنان را به دست شما عذاب می‌دهد و آنان را خوار می‌سازد و شما را بر آنان پیروز می‌گرداند و سینه‌هایتان را شفا می‌دهد و غیظ دلهاتان را برطرف می‌کند.

بیانیه با این سخن پایان یافت: شاید برخی از شما بگوید: حاکمان ما، ما را از جنگ با یهود بازمی‌دارند، این درست است و این اقتضا دارد که تلاش‌ها برای رهایی از این حاکمان بی‌لیاقت که برای خدمت به یهود و کفار پشت‌سرشان وجود دارند متحد گردد و ما در حزب التحریر؛ پیشگامی که اهلش را فریب نمی‌دهد، صاحب پروژه خلافت بر منهج نبوت؛ شما را به همکاری با ما و یاری ما برای رهایی از این حاکمان و برپایی خلافت راشده فرا می‌خوانیم تا الله سبحانه‌وتعالی از ما و شما آنچه را که دوست دارد از جنگ با یهود و کفار استعمارگر ببیند و رژیم یهود جعلی را از هستی برکند و هیچ اثری از آن باقی نگذارد، به اذن الله سبحانه‌وتعالی.

نظرات سیاسی

هند و آسیای میانه؛ اهداف نزدیکی ژئوپلیتیکی

استاد عبد العزیز الاوزبیکی

در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۲۵، چهارمین نشست وزرای خارجه هند و کشورهای آسیای مرکزی در دهلی‌نو برگزار شد. با وجود آن‌که در بیانیه‌های رسمی این نشست، هدف آن «تعمق همکاری» عنوان شد، اما در واقعیت، اهداف راهبردی مهمی همچون مقابله با نفوذ چین و روسیه، متنوع‌سازی مسیرهای انرژی و تقویت جایگاه سیاسی آمریکا در منطقه دنبال می‌شد.

حزب بهارتیا جاناتا که به رهبری نارندرا مودی در هند حاکم است، حزبی وابسته به آمریکا به شمار می‌رود و در راستای تحقق استراتژی آمریکا در اوراسیا عمل می‌کند. همچنین هند در کنار رژیم یهود، هم‌پیمان ترامپ به حساب می‌آید. کتاب روزنامه‌نگار و نویسنده آزاد ایسا با عنوان «ائتلاف جدید میان دو دولت دشمن: هند و اسرائیل» به تحلیل تاریخچه شراکت راهبردی این دو کشور می‌پردازد. نویسنده تأکید می‌کند که هندوییسم و صهیونیسم به‌عنوان بنیان اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم یهود و سیطره هند بر کشمیر با اکثریت مسلمان عمل می‌کنند. از سال ۲۰۱۹ هند از تجربه رژیم یهود برای ارائه مفهوم «پژوهش تمدنی» در کشمیر بهره می‌برد.

ایسا همچنین خاطرنشان می‌کند که اتحاد هند و رژیم یهود عامل پیونددهنده هر دو اشغال است، زیرا روش‌های خشونت‌بارشان مشابه و دلایلشان نیز یکسان است. تجارت اسلحه میان این دو کشور، تولید مشترک سلاح، فناوری نظارت و تمرینات نظامی مشترک، پشتیبانی متقابل اشغال کشمیر و فلسطین را تأمین می‌کند. رژیم یهود همچنین آموزش، تجهیزات نظارتی و فناوری رادار را در اختیار پلیس کشمیر که تحت کنترل هند است قرار می‌دهد. طبق گزارش مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم، رژیم یهود در سال ۲۰۲۱ یکی از سه صادرکننده بزرگ سلاح به هند بوده و ۴۳ درصد از کل صادرات سلاح خود را به هند ارسال کرده است.

همچنین ایسا اشاره می‌کند که از سال ۲۰۰۰، هندی‌های آمریکایی در کنگره آمریکا در فعالیت‌های خود به کمیته یهودیان آمریکا (AJC) و آیپک (AIPAC) تکیه کرده‌اند و گروه‌های فشار هندی با این گروه‌ها برای تحقق اهداف مشترک همکاری داشته‌اند. آن شافر، رئیس شورای یهودیان آمریکا، در سال ۲۰۰۲ به روزنامه فوروارد گفته است: «ما با آن‌ها در رویکرد یهودیان به فعالیت سیاسی مشترک هستیم. می‌خواهیم ابزارهای لازم را برای تحقق برنامه‌های سیاسی‌شان در اختیارشان بگذاریم».

رابطه هند و رژیم یهود که به اوج دشمنی با اسلام و مسلمانان رسیده، پس از به قدرت رسیدن مودی و نتانیاهو به‌شدت مستحکم‌تر شده است. ترامپ جنایتکار نیز جنایت‌هایی بی‌سابقه علیه مسلمانان، اموال، جان‌ها و ناموس‌شان به دست این دو رژیم جنایتکار مرتکب شده است. اللّه سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» «قطعاً سرسخت‌ترین مردم در دشمنی با مؤمنان را یهودیان و مشرکان خواهی یافت».

در متن بیانیه مشترکی که در چهارمین نشست وزرای خارجه هند و آسیای مرکزی در دهلی‌نو تصویب شد، آمده است که موضوعات محوری بحث شامل موارد زیر بود:

امنیت و مبارزه با تروریسم: بار دیگر بر پایبندی به مقابله با تروریسم در همه اشکال و مظاهر آن و محکومیت حملات تروریستی تأکید شد. همچنین به اهمیت مشاوره‌های منظم بین شوراهای امنیت ملی اشاره شد.

• چالش‌های منطقه‌ای و جهانی: حمایت از افغانستانی آرام، باثبات، عاری از تروریسم و مواد مخدر مورد تأکید قرار گرفت.

• منابع: تمایل به استخراج مشترک عناصر کمیاب خاکی و فلزات اساسی ابراز شد و پیشنهاد شد که دومین مجمع عناصر کمیاب خاکی میان هند و آسیای مرکزی برگزار شود.

• تأکید بر اهمیت کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال ـ جنوب (INSTC) و اشاره به حمایت هند از پیوستن ترکمنستان و ازبکستان به این کریدور نیز تأکید شد. همچنین در بیانیه به موفقیت نشست گروه کاری مشترک میان هند و آسیای مرکزی درباره بندر چابهار و علاقه کشورهای آسیای مرکزی به بهره‌برداری از آن اشاره گردید.

• توجه ویژه به اهمیت پروژه‌های اقتصادی جاری، از جمله پروژه خط لوله گاز ترکمنستان ـ افغانستان ـ پاکستان ـ هند (TAPI) که هدف آن تقویت پیوندهای آسیای مرکزی و هند است. همچنین توسعه ظرفیت حمل‌ونقل و ترانزیت در کشورهای آسیای مرکزی و هند و ارائه ابتکارات مشترک برای ایجاد کریدورهای حمل‌ونقل منطقه‌ای و بین‌المللی موردبحث قرار گرفت.

درعین‌حال، روسیه و چین نفوذ خود را در کشورهای آسیای مرکزی حفظ کرده‌اند. مشارکت چین در بخش‌های زیرساخت و انرژی منطقه، از طریق پروژه «یک کمربند یک جاده» در حال گسترش است. روسیه نیز تلاش می‌کند از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی، نفوذ نظامی و سیاسی خود را حفظ کند. در این شرایط، تلاش هند برای نفوذ در آسیای مرکزی تلاشی برای ایجاد تعادل در برابر دو قدرت ژئوپلیتیک روسیه و چین به شمار می‌رود.

آسیای مرکزی نه‌تنها به خاطر ذخایر نفت و گازش مهم است، بلکه به‌عنوان مسیری برای ارتباط هند با اوراسیا از طریق افغانستان نیز اهمیت دارد. حتی پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، هند همچنان در پی راه‌حل‌های لجستیکی در این منطقه است. هند برنامه داشت از طریق بندر چابهار به ایران و از آنجا به آسیای مرکزی دسترسی یابد.

آمریکا در سیاست مهار چین در آسیا و اقیانوسیه تا حد زیادی به هند متکی است و این وابستگی ژئوپلیتیکی، از عوامل اصلی حمایت از فعالیت‌های هند در آسیای مرکزی است. هند با این سیاست، اهمیت راهبردی خود را به‌عنوان «بال شرقی» ویژه واشنگتن به اثبات می‌رساند.

ازبکستان که می‌کوشد نقش پیشرو را در سیاست منطقه‌ای ایفا کند، یکی از مهم‌ترین شرکای هند در آسیای مرکزی به شمار می‌رود؛ زیرا نظام حاکم بر ازبکستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی و تمایلش به حمایت از ابتکارات غربی، توجه آمریکا و متحدانش را جلب می‌کند. بااین‌حال، این نظام متوجه نیست که در دام مهلک غرب گرفتارشده است. مردم ازبکستان به‌تدریج درمی‌یابند که نظام تحت رهبری میرضیایف توانایی محافظت از آنان در برابر چنگال کشورهای استعمارگر کافر و تأمین زندگی آرام و شکوفا را ندارد.

در حقیقت، تنها دولت خلافت راشده است که می‌تواند این مسئولیت را بر دوش گیرد و آن را به نحو کامل انجام دهد و مردم را از ظلم سرمایه‌داری به عدالت اسلام رهنمون سازد.

ورود نیروهای حفتر به مثلث مرزی؛ تلاشی برای تقویت نفوذ آمریکا در سودان

استاد ابراهیم مشرف

در بیانیه‌ای از ارتش سودان در روز چهارشنبه، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵، اعلام شد که نیروهای واکنش سریع به منطقه مرزی سه‌گانه میان سودان، مصر و لیبی حمله کرده‌اند و در این عملیات، از سوی نیروهای خلیفه حفتر پشتیبانی شده‌اند. مشاور نیروهای واکنش سریع، «الباشا طبیق»، در پیامی در شبکه اجتماعی X نوشت که نیروهایش کنترل منطقه راهبردی مثلث مرزی را که مصر، سودان و لیبی را به هم پیوند می‌دهد، در دست گرفته‌اند و ارتش سودان ناگزیر به عقب‌نشینی شده است. ارتش سودان نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که نیروهایش را از منطقه «العوینات» در مرز مشترک با مصر و لیبی تخلیه کرده است؛ اقدامی که به گفته ارتش، بخشی از ترتیبات نظامی برای مقابله با تهاجم بوده است. (رویترز، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵).

با وجود انکارهای مکرر حفتر در خصوص دخالتش در درگیری‌ها، یک گزارش تازه اطلاعاتی فرانسوی، از نقش مستقیم ژنرال بازنشسته لیبیایی، خلیفه حفتر، در جنگ سودان پرده برداشته است. وب‌سایت تخصصی «آفریقا اینتلیجنس» نیز گزارش داده است که نیروهای وابسته به حفتر کمک‌های نظامی قابل‌توجهی به نیروهای واکنش سریع که با ارتش سودان به رهبری «عبدالفتاح البرهان» درگیر هستند، ارائه کرده‌اند. بر پایه همین گزارش، گردان ۱۲۸ وابسته به حفتر مسئولیت حفاظت از مسیرهای انتقال تجهیزات نظامی را بر عهده داشته و از کنترل کامل خود بر مرزهای لیبی و سودان و همچنین فرودگاه «الکفره» بهره برده است. (عاجل نیوز، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵)

شایان‌ذکر است که رابطه میان نیروهای واکنش سریع و نیروهای حفتر، رابطه‌ای تازه نیست؛ چنان‌که در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱، رئیس‌جمهور وقت سودان، عمر البشیر، اعلام کرد که کشورش حمایت نظامی به نیروهای شورای انتقالی لیبی که سرهنگ معمر قذافی را سرنگون کردند، ارائه داده است. وی در سخنانی که از تلویزیون سودان پخش شد، افزود که این اقدام در پاسخ به حمایت قذافی از گروه‌های مسلحی بود که در منطقه دارفور با دولت سودان می‌جنگیدند. در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۹ نیز وب‌سایت خبری بریتانیایی «میدل ایست آی» نوشت: حدود هزار تن از اعضای نیروهای واکنش سریع سودان به فرماندهی محمد حمدان دقلو (حمیدتی)، معاون رئیس شورای نظامی، هفته گذشته در شرق لیبی مستقر شدند تا در کنار نیروهای ژنرال بازنشسته لیبیایی، خلیفه حفتر، علیه دولت وفاق ملی که از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته‌شده، بجنگند؛ این در چارچوب درگیری بین‌المللی میان بریتانیا و آمریکا در لیبی صورت می‌گیرد. گزارش همچنین فاش کرد که شمار جنگجویان نیروهای واکنش سریع ممکن است در ماه‌های آینده به چهار هزار تن افزایش یابد و اسناد محرمانه‌ای از دولت امارات که از حفتر پشتیبانی می‌کند، نشان می‌دهد که دستور انتقال جنگجویان سودانی به لیبی از طریق کشور همسایه، اریتره، صادرشده است.

بر اساس اسناد امضاشده از سوی «حمیدتی» به نمایندگی از شورای نظامی که در ماه مه گذشته در آمریکا منتشر شد، انتقال این نیروها برای حمایت از حفتر، بخشی از توافقی به ارزش ۶ میلیون دلار با شرکت «دیکنز اند مادسون» بوده است؛ شرکتی که توسط «آری بن مناشی»، جاسوس پیشین و دارنده تابعیت رژیم صهیونیستی اداره می‌شود و سابقه فعالیت‌های متعدد در لیبی دارد.

اکنون نزاع بین‌المللی در سودان به نقطه حساسی رسیده است؛ چراکه نیروهای واکنش سریع، تقریباً بر تمام ایالت‌های دارفور به‌جز پایتخت آن، شهر «الفاشر»، مسلط شده‌اند. این شهر همچنان در محاصره نیروهای واکنش سریع است و آخرین پایگاه ارتش و گروه‌های مسلح وابسته به اروپا در دارفور محسوب می‌شود. هم‌زمان، نیروهای مشترک گروه‌های مسلح اروپایی در صحرا مستقرشده و کنترل مثلث مرزی را در اختیار گرفته‌اند و مهم‌ترین مسیر تأمین نیروهای واکنش سریع از خاک لیبی را مسدود کرده‌اند. مناطق گسترده‌ای در جنوب شرقی لیبی که تحت کنترل «ارتش ملی لیبی» به رهبری حفتر است، اهمیت راهبردی زیادی برای نیروهای واکنش سریع دارد و این به دلایل زیر است:

اول: ژرفای جغرافیایی و پشتیبانی لجستیکی: پایگاه هوایی الکفره؛ شهر «الکفره» در نزدیکی

مرز سودان و چاد قرار دارد و به‌عنوان مرکز لجستیکی حیاتی برای نیروهای واکنش سریع شناخته می‌شود. گزارش‌های متعددی، از جمله گزارش گروه کارشناسان سازمان ملل متحد درباره لیبی، تأیید می‌کنند که این پایگاه به‌عنوان نقطه انتقال تسلیحات، تجهیزات، سوخت و نیروهای جنگی به مقصد دارفور استفاده می‌شده است. مرزهای صحرایی و باز این منطقه، امکان نظارت و کنترل را دشوار می‌سازد و بدین‌ترتیب، مسیر امنی برای ارسال کمک‌های حیاتی به نیروهای واکنش سریع فراهم می‌شود؛ کمکی که از چشم دولت مرکزی در بندر «پورتسودان» دور می‌ماند.

همچنین منابع اطلاعاتی و گزارش‌های تحقیقی از جمله روزنامه «وال‌استریت ژورنال» فاش کرده‌اند که نیروهای حفتر، علاوه بر تأمین سوخت، خدمات درمانی برای مجروحان این نیروها در بیمارستان‌های تحت کنترل خود نیز ارائه داده‌اند.

دوم: تأمین مسیر جایگزین برای نیروهای واکنش سریع پس از بسته شدن مسیر چاد؛ بنابراین، تسلط نیروهای واکنش سریع بر منطقه مثلث مرزی با همکاری پنهانی «السیسی» که حفتر را از راه دور هدایت می‌کند و بازگشایی مسیرهای تأمین، بی‌شک سقوط قریب‌الوقوع شهر «الفاشر» را در پی خواهد داشت. اگر این رویداد با اعلام دولت محلی در منطقه همراه شود، می‌توان گفت که آمریکا به‌دست مزدورانش یعنی «البرهان»، «حمیدتی»، «السیسی» و «حفتر» گامی بلند در جهت تجزیه دارفور برداشته است.

به‌راستی دردناک است که آمریکا، این قدرت استعماری کافر، بتواند به‌راحتی جنگی خون‌ریز را در سودان مدیریت کند و عوامل را علناً و بی‌پرده به‌کار گیرد تا این درگیری را پیش ببرند؛ برهان و حمیدتی با ریختن خون مردم سودان درگیرند، نه برای چیزی جز تحقق منافع آمریکا که می‌خواهد تقسیم سودان را همچون جداسازی جنوب آن بدون دخالت اروپا تکرار کند.

تنها راه رهایی از سلطه آمریکا و قدرت‌های استعماری اروپا، اقامه دولتی بر پایه اسلام عظیم است؛ دولتی که سیادت را برای شرع قرار دهد و در سایه آن، امنیت و ثبات برقرار گردد. دولتی که در آن، سیادت از آن امت باشد، نه از آن آمریکا یا کشورهای اروپایی؛ در آن هنگام است که نفوذ کافران ریشه‌کن می‌شود و در آن، امامی بر پایه کتاب اللّه سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وسلم بیعت می‌گیرد، همان‌گونه که آن حضرت صلی‌اللّه‌علیه‌وسلم فرمود: «إمام، سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به او پناه برده می‌شود».

رژیم یهودی؛ گربه‌ای که از باد غرور، به‌شکل شیر خودنمایی می‌کند

ای مسلمانان! آنچه دل را سرشار از حسرت و اندوه می‌سازد، این واقعیت تلخ و اندوه‌بار است که امت اسلام امروز با آن دست‌به‌گریبان است: این رژیم جعلی که اللّه سبحانه‌وتعالی بر ساکنانش خواری و فرومایگی نازل کرده است، آزادانه می‌تازد، تهدید می‌کند، عربده می‌کشد، می‌کشد و مسلمانان را از خانه و کاشانه‌شان می‌راند و در مقابل، هیچ‌کس را نمی‌بینیم که واقعاً برای ریشه‌کنی آن از بن‌وبنیان اقدام کند؛ با آن‌که هم ما و هم خودش نیک می‌دانیم که رژیمی نحیف و بیدی لرزان است و یهودیان، ترسوترین آفریدگان اللّه سبحانه‌وتعالی هستند. هرکس امروز نظاره‌گر وضعیت آن پس از ضربات موشکی ایران به تل‌آویو و دیگر مناطق باشد، ضعف و ناتوانی‌اش را به‌روشنی درمی‌یابد.

ای مسلمانان! دلیری این رژیم یهودی، شجاعتی ساختگی و پوشالی است که کفار غربی بر تنش کرده‌اند و این پوشش را حکام خائن و مزدور مسلمان حفظ کرده‌اند، کسانی که خفّت و خواری را به بهای باقی‌ماندن بر کرسی‌های قدرت بر خود هموار کرده‌اند. از جمله آنان، حاکمان ایران‌اند که هیچ تلاشی را برای خدمت به دشمنان امت، به‌ویژه آمریکا، فروگذار نکرده‌اند؛ آنان در برابر کفار خوار و زبون‌اند، اما در برابر مؤمنان، سخت‌گیر و سرسخت.

ای مسلمانان! یقین بدانید که برای شما نه عزتی است و نه کرامتی تا زمانی‌که زیر یوغ این حاکمان فرومایه هستید و هیچ‌کس جز دولت خلافت، این رژیم جعلی غاصبِ سرزمین و قاتل کودکان را خوار نخواهد ساخت و از میان برنخواهد داشت؛ همان خلافتی که وعده اللّه سبحانه‌وتعالی و بشارت رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وسلم است.

پس شما را به فرمان اللّه سبحانه‌وتعالی فرامی‌خوانیم تا یاری‌دهندگان اللّه سبحانه‌وتعالی باشید؛ این تخت‌وتاج‌های لرزان و نظام‌های فاسد را برچینید و شریعت اللّه سبحانه‌وتعالی را برپا سازید؛ تا سرزمین‌ها و بندگان را آزاد کنید و وسوسه‌های شیطان را از دشمنان اللّه سبحانه‌وتعالی بزدایید. چراکه شما امت خیر و هدایتید و شایستگی آن را دارید.

ماهیت روابط بریتانیا و روسیه

استاد حسن حمدان

روابط میان روسیه و بریتانیا از قرن هجدهم تاکنون همواره پرتنش و متزلزل بوده است و خصومت میان این دو کشور، روشن و آشکار است. برای نمونه، دیمیتری مدودف، معاون شورای امنیت روسیه، روز چهارشنبه اعلام کرد که بریتانیا «دشمن ابدی» مسکو است و هر مقام بریتانیایی که در جنگ جاری با اوکراین به این کشور کمک کند، می‌تواند به‌عنوان هدفی مشروع برای حمله نظامی در نظر گرفته شود.

در واکنش به اظهارات وزیر خارجه بریتانیا، جیمز کلورلی، مبنی بر اینکه اوکراین حق دارد قدرت نظامی‌اش را فراتر از مرزهای خود به‌کار گیرد، مدودف تصریح کرد که «مقامات احمق بریتانیایی» باید به‌خاطر داشته باشند که بریتانیا ممکن است «در وضعیت جنگی» با مسکو قرار گیرد.

روسیه، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دشمنی تاریخی و نگاه منفی خود را نسبت به بریتانیا نیز به ارث برد؛ با این تفاوت که در دوره معاصر، اختلافات در سایه تفاوت توان و ظرفیت‌ها ادامه یافته است.

در کتاب «نظرات سیاسی» از حزب‌التحریر آمده است: «سیاست بریتانیا همچنان با شدت تمام علیه روسیه در سطوح مختلف، از جمله عرصه بین‌الملل و مسائل جزئی، در حال آفرینش. بریتانیا همچنان با حوصله، نیرنگ و شیوه‌های پنهانی، می‌کوشد آمریکا را در موضع حمایت از خود نگه دارد و درعین‌حال، در برابر سیاست‌های آمریکا که علیه بریتانیا است، مقاومت کند و اگرچه امیدی به نرمش روسیه نسبت به بریتانیا نیست...».

بریتانیا، آن‌گونه که شناخته می‌شود، همواره آتش‌افروز جنگ‌هاست و در جنگ اوکراین فرصت مناسبی برای پیگیری اهدافش یافت. دلایل آن چنین است:

۱ـ تلاش برای بازپس‌گیری نقش جهانی و اروپایی و تثبیت جای پای خود؛ چراکه بریتانیا کشوری است که به نیرنگ، زیرکی و خباثت شهرت دارد.

۲ـ سرگرم کردن آمریکا در جنگ و تلاش برای طولانی کردن آن و در صورت امکان، کشاندن ناتو به درون جنگ.

۳ـ اختلاف اولویت‌های سیاست بریتانیا از سیاست آمریکا، در آن است که آمریکا در سیاست خارجی خود، اولویت را مهار خطر چین و سپس درگیر کردن روسیه در اروپا می‌بیند تا هر دو طرف را تضعیف کند و روسیه را به‌گونه‌ای گرفتار سازد که نه به‌کلی نابود شود بلکه قدرتی در حد تهدید باقی بماند؛ تا همواره برای اروپا هراس‌انگیز بوده و اروپا زیر سایه آمریکا باقی بماند و به استقلال فکر نکند، درحالی‌که بار حفاظت از خود را نیز خود بر دوش کشد. این هدف جز با باقی ماندن روسیه به‌عنوان پنجه‌ای درنده ممکن نیست؛ اما در سیاست بریتانیا، اولویت با مقابله با روسیه است نه خطر چین؛ زیرا تهدید چین اقتصادی است و از بریتانیا دور بوده و سابقه دشمنی تاریخی نیز میان آن‌ها نیست، برخلاف روسیه که بریتانیا با آن خصومت تاریخی دارد. با آن‌که بریتانیا به خطر چین واقف است، اما آن را در صدر اولویت‌های خود نمی‌نهد، بر خلاف سیاست خارجی آمریکا.

بریتانیا فرصت مطلوب خود را در جنگ روسیه و اوکراین یافت؛ چنان‌که از همان آغاز به شعله‌ور ساختن تنش‌ها پرداخت و «آموزش سربازان جدید اوکراینی در خاک خود آغاز کرد» در چارچوب کمک‌هایش به کی‌یف برای مقابله با جنگ روسیه. بن والاس، وزیر دفاع بریتانیا، در جریان بازدید خود از یکی از اردوگاه‌های آموزش سربازان اوکراینی در شبنه گذشته، گفت: «با بهره‌گیری از تجربه جهانی ارتش بریتانیا، به اوکراین کمک خواهیم کرد تا نیروهایش را بازسازی کرده و توان مقاومت خود را افزایش دهد».

بنا بر گزارش اسکای‌نیوز، در تاریخ ۶ مارس ۲۰۲۲، بریتانیا اعلام کرد آتش‌بسی که روسیه در شهر ماریوپل پیشنهاد داده، احتمالاً تلاشی برای منحرف‌کردن افکار عمومی بین‌المللی و بازآرایی نیروهایش جهت حمله‌ای دوباره است.

در مقابل، روسیه اعلام کرد که نقش بریتانیا را در مسلح‌سازی اوکراین فراموش نخواهد کرد، چراکه این تسلیحات علیه سربازان روسی به‌کار گرفته می‌شوند. روزنامه آی‌پیپر چاپ لندن، وابسته به مؤسسه رسانه‌ای دیلی‌میل، نوشت: بریتانیا به «دشمن شماره یک» روسیه تبدیل شده است، به‌ویژه پس از کاهش تنش‌ها میان مسکو و واشنگتن. خبرنگار ارشد این روزنامه، ریچارد هولمز، در گزارشی تأکید کرد که نقش پیشرو بریتانیا در مقابله با تجاوز روسیه به اوکراین باعث شده است که مسکو لندن را دشمن نخست خود بداند.

در سایه روابط نزدیک میان ترامپ و پوتین، گزارش‌هایی حاکی از کاهش اعتماد میان نهادهای امنیتی بریتانیا و آمریکا در تبادل اطلاعات وجود دارد. استیون بلانکی، پژوهشگر مؤسسه خدمات سلطنتی متحد (مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی در لندن)، گفت: «نهادهای اطلاعاتی آمریکا در وضعیت سیاسی‌کاری شدیدی قرار دارند، به‌گونه‌ای که شرکای اطلاعاتی‌شان دیگر نمی‌توانند تضمین کنند که اطلاعات حساس به دست روسیه نمی‌رسد». او افزود: «گرایش خطرناکی در برخی بخش‌ها برای اتخاذ سیاست‌های محرمانه مستقل به‌وجود آمده است که ممکن است امنیت منابع اطلاعاتی را به‌شدت تهدید کند».

روشن است که بریتانیا از «خرس روسی» نمی‌هراسد، با آن‌که اختلاف چشمگیری میان آن‌ها از نظر تسلیحات، تجهیزات و نیروی نظامی وجود دارد؛ زیرا عضوی از ناتو است و در سایه آن، با استفاده از بهانه «تجاوز روسیه»، با روسیه درگیر شده، آن را تا جایی که توان دارد شیطانی جلوه می‌دهد و کشوری یاغی و خارج از قوانین بین‌المللی معرفی می‌کند. بریتانیا در این جنگ، کمک‌های مالی، تجهیزات نظامی، آموزش و اطلاعات و هر آنچه در توان دارد، در اختیار اوکراین قرار داده است. حتی پایگاه خبری آی‌پیپر در گزارشی از قول یک مقام اطلاعاتی بریتانیا آورده است که در صورت نبود همکاری با واشنگتن، ممکن است شرکت‌های خصوصی دفاعی و امنیتی برای پر کردن خلأ ناشی از فقدان اطلاعات از سوی دستگاه اطلاعاتی آمریکا وارد عمل شوند. بلکه موضوع تا آنجا پیش رفت که بریتانیا تهدید به مشارکت مستقیم در جنگ کرد؛ چنان‌که «کیر استارمر» نخست‌وزیر بریتانیا، روز یکشنبه آمادگی کشورش را برای اعزام نیرو به اوکراین اعلام کرد و امنیت کی‌یف را عنصری اساسی برای تضمین امنیت بریتانیا و اروپا دانست. وی در مقاله‌ای در دیلی‌تلگراف نوشت که اگر لازم باشد، بریتانیا آمادگی دارد نیروهایش را در خاک اوکراین مستقر کند و به شرکت خود در نشست اروپایی در پاریس اشاره کرد. استارمر همچنین بر اهمیت هماهنگی نزدیک با ایالات‌متحده تأکید کرد و گفت: «حمایت آمریکا برای دستیابی به صلحی پایدار، در برابر هرگونه اقدام احتمالی جدید از سوی روسیه، حیاتی است».

جدیت موضع بریتانیا در این ماجرا زمانی آشکار شد که مشخص گردید این کشور در پشت عملیات «شبکه عنکبوت» قرار داشته است؛ عملیاتی که به نابودی ۴۱ فروند هواپیما، از جمله بمب‌افکن‌های راهبردی انجامید و بیش از یکسوم ناوگان بمب‌افکن‌های راهبردی روسیه را از بین برد؛ از جمله بین ۷ تا ۹ فروند از بمب‌افکن‌های A-۵۰، تیوپولف-۹۵ و تیوپولف-۲۲ ام ۳. چنین عملیات ویژه‌ای فراتر از توان اوکراین است، مگر با پشتیبانی بین‌المللی و پوشش سیاسی معتبر. «آندریه کیلین» سفیر روسیه در لندن، اعلام کرد: «ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، دیروز با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفت‌وگو کرد و درباره حمله اوکراین به پایگاه‌های ما بحث شد. ما همچنین امیدواریم واکنشی از لندن دریافت کنیم، چراکه این‌گونه حملات مستلزم استفاده از فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند داده‌های ژئوفضایی است که فقط در اختیار لندن و واشنگتن قرار دارد».

از سوی دیگر، دولت ترامپ به‌شدت این اقدامات را رد کرده و سخنگوی کاخ سفید، «کارولین لویت» اعلام کرده که ترامپ از پیش از حملات پهپادی اوکراین به روسیه اطلاعی نداشته است.

در مقابل، بریتانیا که سکوت اختیار کرده، با این رویکرد پیش می‌رود که ابتدا جنگ را شعله‌ور می‌کند، سپس منتظر واکنش روسیه می‌ماند؛ اگر پاسخ قاطع نبود، با فاصله زمانی مسئولیت عملیات را به دوش می‌گیرد و اقدام را به نام خود ثبت می‌کند.

بااین‌حال، روسیه کاملاً آگاه است که بریتانیا پشت این حمله قرار دارد؛ چنان‌که سفیر روسیه در لندن، «آندریه کیلین» بریتانیا را به دست داشتن در حمله گسترده اوکراین به پنج پایگاه هوایی در خاک روسیه متهم کرد؛ حمله‌ای که منجر به نابودی ده‌ها جنگنده شد. او این اقدام را «تنشی خطرناک» خواند که ممکن است جهان را به‌سوی جنگ جهانی سوم سوق دهد.

کیلین در گفت‌وگویی با شبکه اسکای نیوز بیان داشت: «عملیات موسوم به شبکه عنکبوت بدون پشتیبانی فنی و اطلاعاتی کشورهای دارای توانایی‌های پیشرفته در گردآوری و تحلیل داده‌های جغرافیایی، همچون بریتانیا، قابل اجرا نبود. این‌گونه حملات نیازمند اطلاعات ژئوفضایی دقیقی است که تنها لندن و واشنگتن در اختیاردارند. ما به‌خوبی از میزان دخالت بریتانیا در اوکراین آگاهیم».

بریتانیا به‌خوبی از خطر واکنش غیرمستقیم روسیه آگاه است، چنان‌که «ولادیمیر پوتین» بارها تأکید کرده که مسکو «قصد حمله به کشورهای ناتو را ندارد» و این اقدام را «بی‌معنا» دانسته است؛ اما با وجود این اظهارات و به‌ویژه در سایه بی‌اعتمادی به هم‌پیمان آمریکایی، به‌ویژه در دوران دولت ترامپ، بریتانیا طرح‌های اضطراری قدرتمندی را برای سناریوهای مختلف فعال کرده است. روزنامه تلگراف بریتانیا در گزارشی فاش کرد که «بریتانیا به‌صورت محرمانه در حال آماده‌سازی خود برای احتمال وقوع یک حمله نظامی مستقیم از سوی روسیه است؛ درحالی‌که نگرانی‌ها درباره ناتوانی کشور در مقابله با جنگ افزایش‌یافته است». همچنین روزنامه دیلی اکسپرس به نقل از «هیلی» درباره افزایش بودجه دفاعی بریتانیا نوشت: «این پیام روشنی به مسکو است: بریتانیا در حال تقویت نیروهای مسلح و زیرساخت‌های نظامی خود است. این بخشی از آمادگی ما برای جنگ در صورت لزوم است».

در پایان، باید گفت که دشمنی ریشه‌دار میان دو کشور برای هر ناظری آشکار است. این خصومت اکنون به سطحی علنی رسیده و نبرد میان آن‌ها دیگر پنهان نمانده است، بلکه به عرصه تقابل آشکار کشیده شده و همه از آن باخبرند.

ادامه: بی‌گمان، این از گناهان بزرگ است که هواپیماهای یهود از فراز...

از همان دوران نخستین، آنان پیمان خدا را پس از عهد با پیامبران‌شان گسستند و در دوران معاصر نیز، ابتدا بریتانیا پس از جنگ جهانی اول آنرا در آغوش گرفت و سپس پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا سرپرستی‌شان را بر عهده گرفت. تمام جنگ‌هایشان گواهی است بر این تکیه به «طناب مردم» و پشتیبانی ترامپ از حملهشان به ایران، از اظهارات بالا به‌خوبی برای هر صاحب‌دل و آگاه شنوا، روشن است.

۲ـ فاجعه‌بارتر و دردناک‌تر از همه آن‌که هواپیماهای یهود از فراز سرزمین‌های تحت حاکمیت حاکمان مسلمان که در اطراف این رژیم اشغالگر قرار دارند، عبور کردند و ایران را بمباران کردند و کشتار بره‌راه انداختند و سپس بسلامت به سرزمین‌های اشغالی بازگشتند، بی‌آنکه حتی یک گلوله از سوی هیچ‌یک از این حاکمان بمسوی‌شان شلیک شود! در شام، عراق، مصر، ترکیه و دیگر نقاط، این حکام فقط نظاره‌گر این تهاجم و تجاوز بودند؛ گویی که مسئولیتی ندارند! و آن هواپیماها در کمال امنیت رفتند و بازگشتند و این حکام، نظاره‌گر جنایت بودند؛ بی‌آنکه عبرتی از عاقبت سنگین سکوتشان بگیرند: «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ» «به زودی کسانی که مرتکب جرم شدند، در پیشگاه خداوند خوار خواهند شد و گرفتار عذابی شدید می‌شوند؛ به سبب آن‌که نیرنگ می‌زدند». براستی این از بزرگ‌ترین رسوایی‌هاست که هواپیماهای یهود از آسمان حکام خائن مسلمان بگذرند، عملیات خود را انجام دهند و بازگردند، بی‌آنکه هیچ حاکمی در برابرشان بایستد!

۳ـ همچنین هر انسان عاقلی درمی‌یابد که بهترین راه دفاع در برابر یهود، حمله است. یهودیان سال‌هاست که ایران را تهدید می‌کنند و به‌ویژه در روزهای اخیر، این تهدیدات شدت یافته است؛ چنان‌که ترامپ گاه به‌صورت ضمنی و گاه آشکارا اعلام می‌کرد که یهود قصد دارد تأسیسات اتمی ایران را هدف قرار دهد. با این‌همه، ایران هیچ‌گونه پاسخ تهاجمی پیش‌دستانه‌ای علیه یهود، نه برای دفاع از خود و نه برای پیشگیری از تهدیدات یهود و آمریکا، انجام نداد! و این، شگفت‌آورترین شگفتی‌هاست! ایران در سکوت ماند تا آن‌که تأسیسات‌ش مورد هدف قرار گرفت و دانشمندانش کشته شدند، آنگاه پاسخ داد. باوجوداین حملات پیاپی، ترامپ همچنان می‌گوید: «به‌زودی میان اسرائیل و ایران صلحی برقرار خواهد شد و در حال حاضر تماس‌ها و جلسات متعددی در جریان است». (اسکای نیوز، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵). ما هشدار می‌دهیم از این‌که این جنگ، در نهایت به صلحی با رژیم یهود منجر شود؛ بلکه همان‌گونه که خداوند فرمود: «فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ» «پس اگر در جنگ، آنان را در چنگ گرفتی، با [مجازات] آنان، کسانی را که پشت سرشان هستند، پراکنده و متنبه گردان!».

۴ـ اما آنچه دل را خون می‌کند، وضعیت حکام فروماید در سرزمین‌های مسلمان‌نشین است، به‌ویژه آنانی که پیرامون رژیم یهود اشغالگر فلسطین قرار دارند. چگونه ممکن است که این حاکمان، عبور هواپیماهای یهودی از فراز سرزمینشان را نبینند، آنگاه که این هواپیماها سرزمین مسلمانان را بمباران می‌کنند و آسوده و ایمن بازمی‌گردند، بی‌آنکه حتی یک گلوله بسوی آن‌ها شلیک شود؟! بلکه آنان گویی طرفی بی‌طرف‌اند که تنها نظاره‌گر آنچه در حال وقوع است، هستند! انکار که این اتفاقات در سرزمین‌های دوردست ناشناخته رخ می‌دهد، نه در بلاد اسلامی! این حاکمان، نابودشدنی‌اند با همان چیزی که در آن بمسر می‌برند و چنین رفتاری از آنان عجیب نیست؛ چراکه آنان در مشت دولت‌های استعمارگر کافر و به‌ویژه آمریکا هستند. آنچه آمریکا بگوید، آنان می‌گویند؛ و آنچه آمریکا بخواهد، آنان انجام می‌دهند. آنان برای عافیت‌طلبی خود توجیه می‌تراشند و مرزهای ترس‌خورده‌شان را مقدس می‌پندارند و فراموش کرده‌اند یا خود را به فراموشی زده‌اند که سرزمین‌های مسلمانان، همه یک سرزمین‌اند؛ چه در دورترین نقطه زمین باشند و چه در نزدیک‌ترین جای آن! و این‌که صلح‌شان باید یکی باشد و جنگ‌شان نیز یکی.

و آنگاه که همگی مسلمان‌اند، اختلاف مذهب نباید میانشان تفرقه اندازد، چراکه همگی یک امت‌اند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» «بی‌گمان این امت شما، امتی واحد است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید!». پس چگونه است که هواپیماهای دشمن، از فراز سرزمین حکام مسلمان عبور می‌کنند و کشور دیگری از بلاد اسلامی را بمباران می‌کنند و آنان ساکت و خاموش‌اند؟! و بهترین حالتشان آن است که با ژست بی‌طرفی، عبور و بازگشت هواپیماهای دشمن را فقط تماشا می‌کنند! بلکه بعضی‌شان به یهود نزدیک‌ترند تا به امت اسلامی! و با این‌که ترامپ صریحاً و نه‌فقط تلویحاً اعلام می‌کند که رژیم یهود با حمایت، دستور و سلاح آمریکا می‌جنگد، باز هم هیچ‌یک از این حاکمان جرئت ندارد حتی در پایین‌ترین سطح، رابطه‌اش را با آمریکا قطع کند! «أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ».

۵ـ با همه آنچه گفته شد، باید دانست که این حاکمان فرومایه به‌زودی نابود خواهند شد و دولت اسلام، یعنی خلافت راشده، به خواست خداوند بازخواهد گشت؛ دولتی که در جایگاه نخست جهانی قرار خواهد گرفت و خیر را در سراسر جهان خواهد گسترانده و نبرد با یهود و پایان اشغالگری‌شان، به‌اذن خداوند حتمی است. چراکه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حدیثی که احمد بن حنبل از حذیفه روایت کرده، فرمودند: «...سپس خلافتی بر منهج پیامبری اقامه خواهد شد» و نیز بخاری از عبدالله بن عمر روایت کرده است که گفت: شنیدم رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرمود: «یهودیان با شما خواهند جنگید و شما بر آن‌ها چیره خواهید شد...» و نیز در روایت مسلم از ابن عمر آمده است: «قطعاً با یهود خواهید جنگید و آن‌ها را خواهید کشت...» و در نتیجه، زمین با یاری خداوند، نور خواهد گرفت: «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» «بی‌گمان در این (گفته‌ها)، عبرتی است برای آن‌که دل دارد، یا گوش فرا دهد درحالی‌که حاضر و هوشیار است».

و در پایان: حزب‌التحریر، این پیشتاز راستگویی که هرگز پیروانش را فریب نمی‌دهد، شما را فرا می‌خواند تا او را یاری دهید و همراهش در برپایی دوباره خلافت راشده تلاش کنید؛ تا اسلام و اهل آن عزت یابند و کفر و پیروانش ذلیل گردند؛ و این است همان رستگاری بزرگ: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» «و در آن روز، مؤمنان شادمان خواهند شد * به یاری خدا که هر کس را بخواهد یاری می‌دهد و اوست شکست‌ناپذیر مهربان».

۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ هـ. ق
۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ م
۲۶ خرداد ۱۴۰۴ هـ. ش

ادامه :غزه‌ای که پنهان نمی‌ماند، حتی در میان آتش جنگ‌ها

آری، این کار ممکن بود؛ اما واقعیت چیز دیگری است. چراکه پروژه ایران اساساً هرگز پروژه آزادسازی فلسطین نبوده است و تمام ورودش به موضوع فلسطین، صرفاً با اهداف سودجویانه و بهره‌برداری سیاسی بوده است. پروژه آزادسازی فلسطین، برای هر بیننده منصفی قابل شناسایی است و بیشک نمی‌تواند مبتنی بر جنایت علیه ملت‌ها و کشورهای مسلمان و ریختن خون آنان باشد؛ همان‌گونه که ایران در شام مرتکب شد. همچنین نمی‌تواند پروژه‌ای باشد که با «شیطان بزرگ» همکاری کند؛ آن‌گونه که ایران برای اشغال عراق و افغانستان با آمریکا همراه شد و در نتیجه، خود را از داشتن عمق استراتژیک جغرافیایی تهی ساخت تا نوبت ضربه‌پذیری‌اش فرا برسد و نیز نمی‌تواند مبتنی بر شکاف‌انداختن میان امت از طریق پروژه فرقه‌گرایانه منفور باشد؛ پروژه‌ای که آمریکا و رژیم یهود بیشترین بهره را از آن بردند و بیشترین سرمایه‌گذاری را در آن کردند.

چگونه ممکن است چنین چیزی (آزادسازی فلسطین یا رویارویی با رژیم یهود) تحقق یابد، درحالی‌که باقی‌مانده رژیم‌های حاکم، پروژه خود را در هم‌پیمانی با یهود و نصارا و در خضوع کامل به رژیم یهود و آمریکا علناً اعلام کرده‌اند؟ پروژه‌ای که هدفی جز حفظ تاج‌وتخت‌های پوسیده‌شان و تضمین تداوم سلطه‌شان ندارد، حتی اگر بهای آن خون ملت‌هایشان، کرامت سرزمین‌هایشان و آینده فرزندانشان باشد. حتی اگر آنچه به‌عنوان «امنیت و آرامش» به ساده‌لوحان می‌فروشند، چیزی جز فریبی موقتی تا رسیدن زمان سلاخی نباشد!

امروز، امت اسلامی با رخدادهایی دست‌وپنجه نرم می‌کند که در همه‌چیز سنگین و طاقت‌فرساست: سرشار از خون‌ریزی، آکنده از گستاخی دشمنان و مملو از خیانت و رسوایی رژیم‌هایی که دیگر نه‌تنها پنهان‌کاری نمی‌کنند، بلکه آشکارا به خیانتشان افتخار می‌کنند! این روزها، همه چهره‌های پلید را بی‌پرده نمایان کرده‌اند؛ بااین‌حال، امید آن است که در این میان، جانب خیری نیز به اراده الهی وجود داشته باشد. کم‌ترین آن، آن‌که توده‌ای از توهمات و فریب‌کاری‌ها فروریخته و پروژه‌های ساختگی‌ای که امت را مشغول و سرگرم کرده بودند، در حال فروپاشی‌اند. اکنون امت با واقعیت خود بدون هیچ ابهامی مواجه است و باید بفهمد و وظیفه دارد که بفهمد که این تفرقه، مرزهای ساختگی و وطن‌گرایی‌های منحرف، تنها او را بسوی هلاکت کشاندند و دشمنان را به طمع انداختند. اکنون وقت آن رسیده که امت یکی از دو راه را برگزیند: یا راه عظیم و فراگیر اسلام را در قالب دولت واحد اسلامی که پراکندگی‌اش را گردآورد و نیرویش را تجمیع کند، یا خدایی نکرده، باید تن به دوران جدیدی از بردگی در برابر آمریکا و رژیم یهود دهد که از هر چه تاکنون دیده، بدتر خواهد بود و اگر انتخابش اسلام و قیام براساس آن باشد که جز این راهی نیست، آنگاه الله سبحانه‌وتعالی، او را یاری خواهد کرد، دشمنش را کفایت خواهد نمود و آتش فتنه‌اش را خاموش خواهد ساخت. چنان‌که فرمود: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» «هر بار که آتشی برای جنگ می‌افروزند، الله سبحانه‌وتعالی آن را خاموش می‌سازد. آنان در زمین به فساد می‌کوشند و الله سبحانه‌وتعالی مفسدان را دوست ندارد».

ابن سلمان در برابر جنایت رژیم یهود، تنها به محکومیت بسنده کرد!

(اسکای نیوز عربی، ۱۸ ذوالحجه ۱۴۴۶ هـ / ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵ م) روز شنبه، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی در تماس تلفنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، مراتب تسلیت و همدردی خود را به ایشان، ملت برادر ایرانی و خانواده‌های قربانیان حملات رژیم یهود به ایران ابراز کرد. او همچنین بار دیگر تجاوزات این رژیم را که به حاکمیت و امنیت ایران لطمه زده و ناقض قوانین بین‌المللی است، محکوم و تقبیح نمود.

تعلیق: در برابر تمام آنچه در ایران رخ می‌دهد، از بمباران زیرساخت‌های امت اسلامی توسط رژیم یهود تا ترور دانشمندان هسته‌ای و نابودی ظرفیت‌های نظامی، این سلمان تنها به محکوم کردن و ابراز انزجار بسنده می‌کند! او ارتش خویش را به حرکت وا نمی‌دارد تا این تجاوز را به کشوری اسلامی که بنابر ایمان، مسلمانان در قبال آن همچون یک‌دست‌اند، متوقف سازد؛ حال‌آنکه مسلمان برادر مسلمان است، نه بر او ستم می‌کند، نه او را تسلیم می‌نماید و نه او را وانمی‌گذارد.

بنابراین، بر فرزندان امت اسلامی واجب است برای ازسرگیری زندگی اسلامی، در جهت اقامه خلافت راشده دوم بر منهج نبوت تلاش کنند؛ خلافتی که مرزهای ساختگی میان سرزمین‌های اسلامی را از میان بردارد، اسلام را به‌طور کامل در همه عرصه‌های زندگی به اجرا درآورد و آن را به‌عنوان پیام هدایت و نور به سراسر بشریت برساند. همچنین بر ارتش‌های مسلمانان واجب است که حزب‌التحریر را یاری دهند؛ حزبی که شب و روز را به هم دوخته تا اسلام را به جایگاه حکومت برساند و از این طریق، خود را نزد الله سبحانه‌وتعالی در آن روزی که نه مال سود می‌دهد و نه فرزند تبرئه کنند، مگر آن‌که با دلی سالم نزد الله سبحانه‌وتعالی آیند.

بودجه جدید مصر؛ میان ارقام فریبنده و حقیقتِ پنهان

استاد محمود اللیثی

روز دوشنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، وبسایت روزنامه «الیوم السابع» نوشت: نماینده «ضیاءالدین داوود» با اعلام مخالفت با لایحه بودجه عمومی سال مالی ۲۰۲۵–۲۰۲۶ تصریح کرد که دولت مدعی کاهش بدهی عمومی است، درحالی‌که ارقام رسمی خلاف آن را نشان می‌دهند؛ چراکه بدهی داخلی و خارجی از سال ۲۰۱۸ به‌شکل قابل‌توجهی افزایش‌یافته و تا ژوئن ۲۰۲۴ مجموع آن به ۱۱/۵ تریلیون پوند رسیده است. او توضیح داد که قراردادهایی که دولت از آن‌ها سخن می‌گوید، به نتایج واقعی ملموسی در زندگی مردم تبدیل نمی‌شود و درعین‌حال از تداوم همان سیاست‌های اقتصادی پیشین انتقاد کرد. وی افزود: فقط بازپرداخت اقساط و بهره‌های بدهی‌ها در بودجه جدید حدود ۴۳۸۲/۶ میلیارد پوند است.

در یکی از جلسات علنی مجلس نمایندگان مصر، ضیاءالدین داوود با صراحت مخالفت خود را با لایحه بودجه عمومی سال جدید اعلام کرد و پرده از تناقض آشکاری برداشت؛ تناقض میان ادعای دولت مبنی بر کاهش بدهی عمومی و آماری که از رشد چشم‌گیر بدهی داخلی و خارجی حکایت دارند تا جایی که مجموع بدهی‌ها به رقم ۱۱/۵ تریلیون پوند رسیده است. داوود با اشاره به این واقعیت تلخ گفت: مردم مصر هیچ بهبودی را در زندگی روزمره احساس نمی‌کنند، حتی با وجود آن‌همه صحبت درباره سرمایه‌گذاری‌ها و قراردادها.

با آنکه چنین مواضعی اهمیت دارد، اما همچنان به سطح پرداختن به نشانه‌ها محدود مانده و به ریشه بیماری نمی‌پردازد. درحالی‌که باید منشأ این بحران‌ها یعنی نظام سرمایه‌داری مورد سؤال قرار گیرد که خود تولیدکننده چنین بودجه‌های فرساینده‌ای است. ازاین‌رو، بر امت واجب شرعی است که نگاه ریشه‌ای و اسلامی خود را درباره مدیریت اموال عمومی، بودجه و بدهی‌های دولتی ارائه دهد؛ تا حقیقت از دروغ و راه‌حل از وصله‌کاری تمایز یابد.

بودجه مصر بر اساس یک الگوی کاملاً سرمایه‌محور تدوین‌شده که تحت سلطه توافقات با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که دولت به بهانه «اصلاح اقتصادی» به پیروی از دیکته‌های خارجیان تن می‌دهد. در چنین الگویی، بودجه به ابزاری برای گرفتن مالیات و بازپرداخت بدهی تبدیل می‌شود نه برای اداره امور مردم و تأمین حقوق و نیازهای آنان. درآمدهای مالیاتی بیش از ۸۵٪ از کل درآمد عمومی را تشکیل می‌دهند، درحالی‌که این مالیات‌ها از منظر شرعی نامشروع است چون به منابع مشروع مالی در اسلام تکیه ندارد.

از سوی دیگر، هزینه‌های مربوط به بدهی‌ها به‌تنهایی بیش از ٪۶۵ بودجه را می‌بلعد که این هزینه‌ها به‌صورت اقساط و بهره ربوی پرداخت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، دولت به‌جای اینکه متولی امور مردم باشد، نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند برای بازپرداخت وام‌های ربوی.

این ساختار مالی نشان می‌دهد که دولت مصر در واقع حاکمیتی اعمال نمی‌کند، بلکه صرفاً به‌عنوان نماینده اجرایی منافع وام‌دهندگان خارجی عمل می‌کند؛ آن‌هم زیر نقاب «اصلاحات اقتصادی»، درحالی‌که فقرا فقیرتر می‌شوند و ثروت کشور به بهانه سرمایه‌گذاری به تاراج می‌رود.

دولت مدعی است که در مسیر کاهش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی گام برمی‌دارد، اما آمار رسمی این ادعا را رد می‌کند. بدهی داخلی از ۳/۴ تریلیون به ۸/۷ تریلیون پوند در طول شش سال افزایش‌یافته و بدهی خارجی از ۸۴۴ میلیارد به ۳/۷ تریلیون پوند رسیده است؛ یعنی مجموع بدهی تقریباً سه برابر شده است. این وضعیت فقط نشانه سوء مدیریت مالی نیست، بلکه بیانگر نبود مرجعیت شرعی نیز هست؛ زیرا ربا بر پایه نصوص قطعی قرآن و سنت حرام است و گرفتن وام از کفار تنها به دلیل ربوی بودن آن نیست که حرام شده، بلکه به‌دلیل وابستگی سیاسی و اقتصادی‌ای است که ایجاد می‌کند و این وابستگی، بر اساس شریعت، نوعی استعانت با کفار است که به سلطه آن‌ها می‌انجامد و لذا ممنوع است.

نماینده داوود از قراردادهایی که دولت اعلام می‌کند ولی نتیجه ملموسی ندارند انتقاد کرد و البته حق با اوست؛ اما واقعیت این قراردادها آن است که پروژه‌های توسعه‌ای واقعی نیستند، بلکه معاملات حاکمیتی‌اند که در آن دارایی‌های عمومی کشور زیر پوشش سرمایه‌گذاری به فروش می‌رسند. فروش شرکت‌های سوددهی همچون شرکت «مصر الجدیده»، کارخانه «العربیه للاسمنت»، بانک قاهره، میدان‌های گازی و سواحل، آن‌هم به بهای ناچیز، در تعارض کامل با حکم شریعت است که فروش اموال عمومی را ممنوع کرده؛ چراکه این دارایی‌ها متعلق به امت‌اند. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «مسلمانان در سه چیز شریک‌اند: آب، چراگاه و آتش» و فقها معادن، انرژی و منافع عمومی را نیز در این حکم داخل کرده‌اند. پس چنین قراردادهایی نه راه‌حل بحران بلکه روندی برنامه‌ریزی‌شده برای فروپاشی ساختار اقتصادی کشور به نفع سرمایه‌داران داخلی و خارجی‌اند.

راه‌حل این بحران، نه در تدوین بودجه‌های جدید در چهارچوب نظام سرمایه‌داری است و نه در تغییر نسبت‌های درآمدی و هزینه‌ای؛ بلکه در فروپاشاندن کامل این نظام و اقامه دولت خلافت راشده است که نظام اقتصادی اسلام را اجرا می‌کند. در نظام خلافت، برای پوشش کسری بودجه از مردم مالیات گرفته نمی‌شود، بلکه به منابع مشروع و ثابت در شریعت متوسل می‌شود. همچنین هیچ‌گونه وام ربوی گرفته نمی‌شود و تعامل با نهادهای استعماری ربوی مانند صندوق بین‌المللی پول یا بانک‌های غربی وجود ندارد. دولت اسلامی، بدهی‌های ربوی را که مشروعیت ندارند لغو می‌کند، چون از نظر شرعی باطل‌اند؛ نه پذیرفته می‌شوند و نه به امت تحمیل می‌شوند، بلکه مسئولان ایجادکننده آن‌ها باید مورد بازخواست قرار گیرند. همچنین خلافت مدیریت منابع طبیعی، تأسیسات عمومی، آب، انرژی و معادن را بر عهده می‌گیرد، چراکه این‌ها در مالکیت عمومی‌اند و فروش یا خصوصی‌سازی آن‌ها جایز نیست؛ بلکه باید برای تأمین نیازهای مردم به‌کار گرفته شوند، نه برای خدمت به وام‌دهندگان.

نماینده مجلس، ضیاءالدین داوود، بی‌تردید درد حقیقی مردم را بازتاب داد؛ اما سخنش از مرز نقد ظاهری عبور نکرد و به ریشه بحران نپرداخت. درحالی‌که بر ما به‌عنوان مسلمانان واجب است اعلام کنیم که مشکل، در اعداد و ارقام نیست، نه حتی در این‌که چه کسی حکومت می‌کند؛ بلکه مشکل در چگونگی حکومت‌داری است. امروز بر اساس اسلام حکومت نمی‌شود، بلکه بر پایه نظام سرمایه‌داری سکولار است که فقر، بدهی، خصوصی‌سازی و فساد را تولید می‌کند. نجات مصر و همه سرزمین‌های اسلامی فقط در گرو خلافت راشده است که دین را اقامه می‌کند، نظام اقتصادی اسلامی را پیاده می‌کند و حاکمیت امت را بر منابع خویش بازمی‌گرداند.

ای سربازان سرزمین کنانه! ای فرزندان عمرو بن عاص، شما سپر امت و شمشیر آن هستید، شما دژ استوار آن در سختی‌ها و چشمان بیدارش بر دین، امنیت و کرامت آن می‌باشید. شما از گوشت و خون همین امت‌اید و امانتی بزرگ و مسؤولیتی سنگین بر دوش دارید؛ اینکه از دین پاسداری کنید، از حریم مسلمانان دفاع نمایید و نگذارید دشمنان بر سرزمین و مقدرات‌تان چیره گردند.

آنچه امروز مصر از فروپاشی و تباهی و وابستگی خفت‌بار به صندوق‌ها و نهادهای غربی تجربه می‌کند، تقدیری ناگزیر نیست، بلکه نتیجه مستقیم فقدان حاکمیت اسلام و سلطه نظام سرمایه‌داری درنده‌ای است که چیزی جز استثمار ملت‌ها و غارت ثروت‌ها نمی‌شناسد. ای سربازان، پناه و شمشیر کسانی نباشید که فروختند و تباه کردند؛ برای کسانی نجنگید که کشور و مردم را گروگان صندوق‌های خارجی کردند و اموال مردم را به نام اصلاحات و موازنه غارت کردند. سلاح‌تان را ابزار تثبیت این باطل نسازید و شرافت‌تان را در خدمت نظامی تباه نکنید که تنها حافظ منافع دشمنان است. بلکه آن باشید که الله سبحانه‌وتعالی برایتان خواسته: پاسداران امت و تلاش‌گرانی مخلص در راه برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت؛ خلافتی که بر اساس شرع الله سبحانه‌وتعالی حکم می‌راند، امت را از وابستگی نجات می‌دهد، اموال و ثروت‌ها را به مردم بازمی‌گرداند، شؤون آنان را به‌درستی اداره می‌کند و اسلام را به‌عنوان پیام رهایی و نور به جهانیان عرضه می‌دارد.

ای سربازان سرزمین کنانه، آن نصرتی که الله سبحانه‌وتعالی از شما می‌طلبد، نصرت پرچم یا مرز نیست، بلکه نصرت دین است؛ نصرت دعوت حق است؛ نصرت پروژه بزرگ تمدنی اسلام است. پس اهل آن باشید و این فرصت عظیم را از کف ندهید تا نام‌تان در فهرست جاودانگان زیر سایه اسلام و دولت خلافت راشده بر منهج نبوت ثبت گردد. الله سبحانه‌وتعالی آن را به‌زودی تحقق بخشد و شما، سربازان مصر، یاورانش باشید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» «ای مؤمنان! فرمان الله سبحانه‌وتعالی را بپذیرید و دستور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی بخشد».

ای فرزندان امت اسلام! اکنون زمان آن فرارسیده که عزت خود را بازیابید

همانا امت اسلامی امروز بر آستانه مرحله‌ای نو ایستاده است؛ خلافت دیگر رؤیایی دور از دسترس نیست، بلکه واقعیتی است که هنگامی تحقق می‌یابد که امت اسباب پیروزی را به‌کار ببندد و منهج رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در اقامه دولت پیروی کند؛ همان‌گونه که او صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه، پس از آن‌که اهل قدرت و توان او را یاری کردند، دولت را اقامه ساخت، امروز نیز امت موظف است که برای بازگرداندن سلطه اسلام و برپایی دولت خلافتی که به کتاب الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم حکم می‌کند، جدیت به خرج دهد.

بی‌گمان، غرب، با همه قدرت نظامی و اقتصادی‌اش، به مرحله ضعف و فروپاشی رسیده است و بحران‌های سیاسی و اقتصادی‌ای که امروز آمریکا و اروپا با آن مواجه‌اند، بزرگ‌ترین دلیل بر این امر است و غرب، هرچقدر هم توطئه کند، نمی‌تواند بیداری امت و بازگشتش به دین و اقامه حکومت اسلامی را بازدارد.پس ای فرزندان امت اسلام! همانا وقت آن است که عزت خود را بازگردانید و به حکم الهی بازگردید؛ که تنها با خلافت است که دین اقامه می‌شود، سرزمین‌ها آزاد می‌گردد، کرامت بازیافته می‌شود و دوباره به پیشوایی جهان بازمی‌گردید تا زمین با نور پروردگارش روشن گردد. الله سبحانه‌وتعالی فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ».

پس به عمل برخیزید، ای مسلمانان! و به یاری بشتابید، ای افسران وفادار! همانا نصرت‌الله سبحانه‌وتعالی نزدیک است و خلافت راشده دوم بر منهج نبوت به‌زودی به خواست الله سبحانه‌وتعالی برپا خواهد شد: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» «الله سبحانه‌وتعالی بر کار خود چیره و مسلّط است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

سفر رئیس‌جمهور فرانسه به جنوب شرق آسیا و سیاست دیپلماسی نرم

دکتر اسعد العجیلی

اختلاف سیاسی و نظامی میان پاکستان، ترکیه و آذربایجان از تابستان سال ۲۰۲۴ به‌شکلی منظم آغاز به شکل‌گیری کرد، زمانی‌که سران این سه کشور شامل رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف و رئیس‌جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، در یک نشست سه‌جانبه گرد هم آمدند. این نشست، روابط سیاسی میان این کشورها را بررسی کرد و به مسائل منطقه‌ای و جهانی مانند غزه، قبرس، کشمیر و موضوع اسلام‌هراسی پرداخت.

تصمیم گرفته شد که چارچوب همکاری سه‌جانبه‌ای که پیش‌تر در سطح رؤسای مجلس‌ها و وزرای خارجه میان آن‌ها برگزار می‌شد، به سطح سران کشورها ارتقاء یابد. بر توسعه فرصت‌های همکاری میان این سه کشور که کشورهای دوست و برادر توصیف شدند، تأکید شد و این همکاری گامی در جهت شکوفایی ملت‌ها و تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی دانسته شد.

در این نشست، بر اهمیت همکاری میان این کشورها برای مقابله با تهدیدهای فرامرزی، به‌ویژه آنچه «تروریسم» خوانده می‌شود و عزم مشترک برای مبارزه با آن به‌عنوان تهدیدی مشترک، تأکید شد.

از منظر تاریخی، هماهنگی ترکیه و پاکستان در مواضع منطقه‌ای از دهه ۱۹۵۰ آغازشده بود؛ زمانی‌که ترکیه از پاکستان در موضوع کشمیر حمایت کرد. سپس دو کشور همراه با عراق وارد پیمان بغداد شدند که با حمایت بریتانیا برای مقابله با عامل آمریکا در منطقه، جمال عبدالناصر، در دهه ۵۰ قرن گذشته شکل گرفت.

اما روابط نظامی واقعی میان پاکستان و ترکیه پس از سال ۲۰۱۵ آغاز شد و شامل هماهنگی‌های دفاعی میان دو کشور بود. همچنین تولید مشترک تجهیزات نظامی دوچندان شد و همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در زمینه راه ابریشم چین برای انتقال کالا از چین به پاکستان، سپس به ترکیه و از آنجا به اروپا، تقویت شد.

برای کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا، این همکاری دوجانبه فشرده میان دو کشور مهم و بزرگ منطقه‌ای به‌خودی‌خود نگران‌کننده نیست، زیرا ترکیه عضو ناتو است و کاملاً به قواعد این پیمان پایبند است. این موضوع باعث می‌شود پاکستان نیز به‌نوعی به‌طور غیرمستقیم تابع ناتو شود و در نتیجه تحت کنترل غرب باقی بماند.

اما آمریکا از پیوند پاکستان با چین به بهای هند متحد غرب و آمریکا که عضو مهم اجلاس گروه «کواد» به‌شمار می‌آید (گروهی سیاسی بین‌المللی شامل آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا)، اندکی ناخشنود است، بااین‌حال این ناخشنودی بر ماهیت روابط بین‌المللی با پاکستان و ترکیه تأثیری نمی‌گذارد.

برای جبران این خلل جزئی، به‌ویژه پس از رویارویی اخیر میان هند و پاکستان و به‌منظور ایجاد توازن با این ائتلاف پاکستان، ترکیه و آذربایجان، با ائتلافی هم‌سنگ متشکل از هند، ایران و ارمنستان؛ هند، در مقابل تجهیز آذربایجان به سلاح از سوی ترکیه، اقدام به تجهیز ارمنستان به سلاح نمود، پس‌ازآنکه روسیه پس از جنگ ناگورنو قره‌باغ از منطقه عقب‌نشینی کرد و ارمنستان این جنگ را به رقیبش آذربایجان باخت و روسیه نیز حمایت خود را از ارمنستان کنار گذاشت و موضع بی‌طرفانه اتخاذ کرد.

هند عملاً روند افزایش صادرات تسلیحاتی به ارمنستان را آغاز کرده است، در حرکتی آشکار که هدف آن مقابله با اتحاد راهبردی رو به گسترش میان ترکیه، آذربایجان و پاکستان است؛ چراکه هند این ائتلاف سه‌جانبه را دشمنی آشکار با خود تلقی می‌کند که دارای ابعاد نظامی و سیاسی روشنی است و چالشی مستقیم علیه منافع منطقه‌ای هند به‌شمار می‌آید و صف‌آرایی‌ای علنی در برابر او محسوب می‌شود، به‌ویژه پس از درگیری اخیر میان هند و پاکستان.

در سال ۲۰۲۲، قراردادی به ارزش ۲۴۴/۷ میلیون دلار میان هند و ارمنستان امضا شد که بر پایه آن، هند سامانه‌های پرتاب چندگانه «پیناکا» را به همراه مجموعه‌ای از مهمات و تجهیزات پشتیبانی در اختیار ارمنستان قرار می‌دهد. شمار این سامانه‌ها دست‌کم چهار آتشبار برآورد شده است. این قرارداد همچنین شامل خمپاره، موشک‌های ضد زره و انواع دیگری از مهمات نیز می‌شود.

در سال ۲۰۲۳، شرکت هندی «کالیانی استراتژیک سیستمز» قراردادی به ارزش ۱۵۵/۵ میلیون دلار برای تأمین توپ‌های ۱۵۵ میلی‌متری با ارمنستان امضا کرد، در چارچوب تقویت روابط نظامی میان دو کشور و در همان سال و به‌طور خاص در پایان ماه اکتبر ۲۰۲۳، شرکت «زین تکنالوجیز» هند که در زمینه توسعه شبیه‌سازهای نظامی و سامانه‌های مقابله با پهپاد تخصص دارد از صادرات این تجهیزات به ارمنستان به ارزش ۴/۵ میلیون دلار خبر داد و در سال ۲۰۲۴، ارمنستان قرارداد دیگری برای خرید سامانه‌های پدافند هوایی «آکاش» به‌میزان نامعلوم امضا کرد، امری که باعث شد ارمنستان در شمار بزرگ‌ترین واردکنندگان محصولات صنایع دفاعی هند قرار گیرد و هند به یکی از برجسته‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح برای ارمنستان تبدیل شود.

البته آمریکا به‌طور آشکار متمایل به هند و علیه پاکستان است، چنان‌که استفاده از جنگنده‌های آمریکایی صادرشده به پاکستان نظیر f-16 و دیگر جنگنده‌ها را با محدودیت‌هایی همراه کرده که مانع از استفاده واقعی آن‌ها علیه هند می‌شود و صرفاً کاربری دفاعی یا استفاده علیه جنبش‌های جهادی را مجاز می‌داند.

از جانب دیگر، ایران در کنار ارمنستان و هند در محور ضد محور پاکستان، ترکیه و آذربایجان قرار دارد؛ چنان‌که ایران اخیراً پروژه «دالان زنگزور» میان ترکیه و آذربایجان تا مناطق آسیای مرکزی مانند قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان را ناکام گذاشت تا از این طریق، ارتباط ترکیه با کشورهای ترک‌زبان را قطع کند و مانعی ژئوپلیتیکی در برابر هرگونه هم‌گرایی یا اتحاد این کشورها ایجاد کند.

بدین‌ترتیب، دو ائتلاف سه‌جانبه متضاد و دشمن در منطقه خاورمیانه، قفقاز و جنوب آسیا شکل‌گرفته‌اند که عبارت‌اند از: (ائتلاف پاکستان ـ ترکیه ـ آذربایجان) در برابر (ائتلاف هند ـ ایران ـ ارمنستان) و در هر یک از این دو ائتلاف، دو کشور بزرگ حضور دارند که یکی از آن‌ها هسته‌ای است و یک کشور کوچک به آن‌ها پیوسته و با شکل‌گیری این تکتل‌ها، نوعی توازن منطقه‌ای پدید آمده که مانع از فروپاشی ساختار منطقه پس از خروج روسیه از صحنه می‌گردد.

«إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً»

با وجود آنکه غرب کافر استعمارگر، با همکاری حکام مسلمان مزدور و سازمان فلسطینی سازش، موفق شد موجودیت یهود را بر سرزمین مبارک فلسطین تثبیت کند و می‌کوشند با پیمان‌های سازشکارانه، به آن مشروعیت ببخشند.

با وجود اینکه یهود، فلسطین را جز پس از تفرقه امت نگرفت و با وجود اینکه اکنون غزه و لبنان و سوریه و یمن و ایران را بمباران می‌کنند و این پراکندگی امت به سودشان است و فقدان نصرت و یاری و حتی تعصب و غیرت جاهلی، برشدت نیروی آنان و جنگشان علیه اسلام و مسلمانان می‌افزاید و همه اینها با حمایت و پشتیبانی همان کسانی است که این موجودیت منحوس را در این سرزمین مبارک پدید آوردند با این همه اکنون نفس‌های وحدت را در امت اسلامی می‌شنویم و معانی جهاد از زیر گرد و غبار رنج‌ها سر برمی‌آورد و امروز امت، مشتاق وحدت است و علت ضعفش را دانسته و دشمنش را شناخته و تنها چیزی که کم دارد این است که نیروهایش را برای سرنگونی این نظام‌های مزدور که جمعش را پراکنده و صفوفش را متلاشی کردند، یکپارچه کند و همان‌گونه که یهود سرزمین ما را به سبب ضعف و تفرقه ما اشغال کردند، این امت نیز آنان و اربابان‌شان را به قدرت و وحدت خود از این سرزمین بیرون خواهد راند و یهود چیزی جز غباری بر سنگ خارا نیست که تندباد امت در سایه خلافت راشده دوم بر منهج نبوت که به زودی به پا خواهد شد، آن را خواهد پراکند؛ چنان‌که فرمود: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» «بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی انتظار دارید. ولی ما درباره شما چشم به راه هستیم که یا الله سبحانه‌وتعالی به عذابی از سوی خود گرفتارتان سازد و یا با دست ما. پس شما چشم به راه الله سبحانه‌وتعالی باشید و ما هم با شما در انتظاریم».